

عدالت و تأثیر آن بر حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

منصور انصاری^۱
نیکو رضایی جوزانی^۲

چکیده:

برای بررسی مفهوم عدالت و تأثیر آن بر حکومت مطلوب امام خمینی، ابتدا باید به تحلیل ارزش‌ها پرداخت. چراکه هم مفهوم عدالت و هم ایده حکومت مطلوب از نوع پدیده‌های ارزشی هستند که این امر نیز با روش هنجارگرایی قابل بررسی می‌باشد. در این مقاله تلاش بر این است که به بررسی حکومت مطلوب و جایگاه عدالت در آن پرداخته شود و نشان داده شود که اولاً چه نسبتی بین عدالت و حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی وجود دارد و ثانیاً عدالتی که در حکومت مطلوب مد نظر امام بوده است از چه نوع عدالتی است؛ یعنی عدالت فردی است یا عدالت اجتماعی؟ برای رسیدن به این هدف به تحلیل و بررسی اندیشه‌های امام در مجموعه آثارشان پرداخته می‌شود. فرضیه اصلی ما این است که در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) تأسیس حکومت مطلوب برای اجرا و تحقق عدالت اجتماعی است.

واژگان کلیدی: عدالت، عدالت فردی، عدالت اجتماعی، حکومت مطلوب.

۱. عضو هیات علمی گروه اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، پژوهشکده امام خمینی.

۲. فارغ التحصیل رشته اندیشه سیاسی در اسلام معاصر.

عدالت یک ارزش و فضیلت انسانی است؛ به گونه‌ای که انسان‌ها به حکم عقل و فطرت الهی خود، عدالت را ارج می‌نهند و برای افراد عادل احترام قائل‌اند. یکی از ارزش‌های بنیادی دین مبین اسلام نیز قسط و عدل است؛ به گونه‌ای که قرآن کریم یکی از اهداف رسالت انبیا را برقراری عدالت معرفی می‌کند. این مسئله که بهترین نوع حکومت، حکومتی است که باید بر مبنای عدالت رفتار کند، از دیرباز مورد توجه بسیاری از اندیشمندان سیاسی بوده است. حکومت مطلوب امام خمینی (ره) که تجسم خود را در شکل ولایت فقیه می‌یابد، عمدتاً متأثر از درک ویژه ایشان از مفهوم عدالت است. امام خمینی (ره) مفهوم عدالت را مفهومی معنوی و الهی می‌داند و به همین جهت عدالت را از خداوند حکیم آغاز می‌کند که به انسان کامل یعنی حضرت رسول (ص) سرایت می‌کند. بنابراین مفهوم عدالت در اندیشه امام خمینی (ره) بیشتر رنگ و بوی عرفانی دارد. از نظر وی اگرچه جهان آفرینش طی یک نظم خاص توسط خالق آفریده شده و جهان براساس نظم طبیعی استوار شده است، اما انسان باید عدالت را ایجاد کند تا بتواند به رفاه برسد. در مجموع اندیشه امام خمینی (ره) اندیشه‌ای اساساً عدالت‌محور است، ولی درک ایشان از عناصر گفتمانی عدالت متفاوت است و در نتیجه حکومت مطلوب امام خمینی (ره) اساساً رنگ اخلاقی - دینی می‌یابد و مبتنی بر معرفت است.

از نظر امام خمینی (ره) بین مفهوم عدالت و حکومت مطلوب پیوندی عمیق و ناگسستنی وجود دارد، چون بهترین و مطلوب‌ترین نوع حکومت حکومتی است که بتواند ظلم را نابود و عدالت اجتماعی را در جامعه برقرار سازد. اساس و بنیان حکومت مطلوب اصل عدالت است که بزرگ‌ترین هدف دین مبین اسلام است. امام خمینی (ره) حکومت مطلوب خود را تحت عنوان جمهوری اسلامی معرفی کرده‌اند که ولی فقیه، مجتهد و آگاه به امور زمانه خویش باید زمام امور آن را در دست بگیرد. از نظر امام خمینی (ره) کسی که در رأس حکومت مطلوب قرار می‌گیرد باید فقیه، مجتهد، عادل و آگاه به امور زمان خویش باشد و بتواند در این حکومت یعنی حکومت مطلوب عدالت، آن هم عدالت اجتماعی را برقرار سازد.

أ. تعریف عدالت

واژه عدالت یک مصدر عربی است و در لغت به معنای متعددی همچون: سهم، انصاف، داد، اعتدال، مساوات، میانه‌روی، دادگری و ... به کار می‌رود. عدالت گاه به معنی دادن حق هر کس به خودش، گاه به معنی اعتدال و میانه‌روی و گاه به معنای متفاوت دیگری تعریف شده است.

در المنجد واژه عدالت دارای معانی: داد، داددهنده، عادل، مساوی، همتا، راستی، سادگی، انصاف، داوری، درستی و ... آمده است. (سیاح، بی تا، ج ۲، ۱۰۱۶ - ۱۰۱۷)

«ابن منظور» نویسنده لسان‌العرب نیز عدل را این‌گونه معنا کرده است:

«عدل آن چیزی است که در نظر انسان‌ها دارای استقامت و راستی می‌باشد. عدل مفهوم مقابل جور است». (ابن منظور، ۱۴۰۸ ه. ق، ۸۳)

«راغب اصفهانی» در کتاب مفردات عدل را به معنای مساوات دانسته و گفته است:

عدل تقسیم کردن به‌طور مساوی است و از این رو گفته شده: آسمان و زمین بر پایه عدالت استوار شده است. برای آگاهی دادن به این‌که اگر یک رکن از چهار رکن جهان از ارکان دیگر بیشتر و یا کم‌تر باشد جهان به مقتضای حکمت با نظم نخواهد بود. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ه. ق، ۳۱۵)

گاهی عدالت به معنی تساوی کامل به کار نرفته است و معنی دیگری از آن حاصل می‌شود. علامه طباطبایی واژه عدالت را این‌گونه معنا کرده است:

«هَبِي إِعْطَاءَ كُلِّ ذِي حَقٍّ مِنَ الْقَوَى حَقَّهُ وَ وَضَعَهُ فِي مَوْضِعِهِ الَّذِي يَنْبَغِي لَهُ» (

طباطبایی، بی تا، ج ۱، ۳۷۱)؛ عدالت حق هر صاحب حقی را از نیروها به او دادن و در جایگاه مناسب خود قرار دادن است.

این معنای عدالت با معنای تساوی هیچ منافاتی ندارد، چراکه معنی تساوی تقسیم کردن به‌طور مساوی نیست؛ بلکه مقصود رعایت تناسب و اعتدال است.

ب. تعریف حکومت مطلوب.

از بنیانی‌ترین مباحث مربوط به فلسفه سیاسی بحث مطلوبیت حکومت است. برخی از فلاسفه مطلوبیت حکومت را از نوع و ماهیت آن می‌دانند و برخی دیگر مطلوبیت حکومت را شکل و ساختار آن می‌پندارند. حکومت مطلوب از دو واژه حکومت و مطلوب

تشکیل شده است. حکومت در لغت به معنای فرمانفرمایی و حکمرانی است و در این معنا، وجود رابطه‌ای پایدار بین فرمانبر و فرمانده ضروری است. گاهی نیز حکومت به معنای قوه مجریه است. یعنی مجموع دستگاه اداری، سیاسی، انتظامی و نظامی کشور که در رأس آن هیئتی به نام کابینه یا هیئت وزیران قرار دارد و کشور را براساس قانون‌های وضع شده در قوه قانون‌گذاری و زیر نظر آن اداره می‌کند. (آشوری، ۱۳۷۰، ۱۴۱)

از آنجا که انسان موجودی دوبعدی است و علاوه بر قوای عقلانی و معنوی که می‌تواند وی را به مقام خلیفه‌الهی و ملکوتی برساند، دارای قوای شهوانی و حیوانی هم هست که او را با عالم ماده پیوند می‌دهد، نیاز به تعدیل قوا دارد تا بتواند به آرامش و آسایش برسد و از آنجایی که هر انسانی دارای اهداف و مقاصدی است که از مکتب و جهان‌بینی او سرچشمه می‌گیرد تا به واسطه آن به سعادت و خوشبختی نائل گردد، نیاز به حکومت دارد.

مطلوب واژه دیگری است که به معنای خواستنی است. حکومت مطلوب از مسائل مهم فلسفه سیاسی است که بیشتر به موضوع و نوع و ماهیت حکومت توجه دارد.

حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی بسیاری از اندیشمندان به واسطه یک سری ویژگی‌ها و شاخص‌هایی همچون عدالت، رعایت مصالح عام و ... شناخته می‌شود. مسئله اساسی در بحث حکومت مطلوب این است که ببینیم به کدام یک از اهداف حکومت اشاره شده است.

حکومت مطلوب یک امر اعتباری است، چون هرگاه هدف از تأسیس و برقراری حکومت اجرا و یا تحقق عدالت باشد، حکومت مطلوب در پیوند و ارتباط تنگاتنگ با عدالت مطرح می‌شود و اگر حکومت مطلوب در مورد ایجاد تعادل یا تناسب و یا سود و رفاه و ... باشد، دارای تعریف خاص دیگری خواهد شد.

۱. عدالت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره).

امام خمینی (ره) در کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل به تعریف لغوی کلمه عدالت پرداخته و در مقصد پنجم این کتاب این گونه می‌نویسد:

بدان که عدالت عبارت است از حد وسط بین افراط و تفریط. و آن از امّات فضایل اخلاقیه است، بلکه عدالت مطلقه تمام فضایل باطنیه و ظاهریه و روحیه و قلبیه و نفسیه و جسمیه است، زیرا که عدل مطلق مستقیم به همه معنی است. (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۱۴۷)

به طور کلی برداشت حضرت امام از عدالت آنجاکه عدالت را به فضیلت حد وسط تعریف می‌کند، ارسطویی است که عدالت جزء ملکات و عادات اخلاقی که اموری متغیّرند، دانسته شده است و بر همین مبنا، تأثیر آموزش‌ها و تعالیم، محتوا و شیوه آنها، از آنجا که می‌تواند سبب ایجاد ملکات و عادات پسندیده یا ناپسند شود، اهمّیت می‌یابد. تأکید بر امر خودسازی و مراقبت از نفس و مجاهدت و تقوا پیشه‌گی نیز بر بنیاد همین تغییرپذیری عادات و ملکات ایجاد شده است. تصویر ارائه شده از انسان نیز در این منظر به‌عنوان موجودی که دارای اجزای متعقل و غیر متعقل است و رفتار او تابعی از قوای نفس غیر متعقل - شهوت، غضب، توهم - اوست معنای عدالت را به‌سوی تعادل در قوا و تهذیب آن و کمک به قوه عاقله شریعت اسلام کشانده است. (قیصری، ۱۱۴، ۱۳۸۰)

۱. ۱. عدالت فردی از نظر امام خمینی (ره)

از نظر امام (ره) عدالت فردی عبارت است از تعادل در قوا و تهذیب آن به کمک قوه عاقله: «عدل مطلق تمامی فضایل باطنی، ظاهری، روحی و جسمی را دربرمی‌گیرد، زیرا عدالت عبارت از اعتدال قوای ثلاثه یعنی قوه شهویه، غضبیه و شیطانیه است». (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۱۴۷)

≤

از نظر امام خمینی (ره) عدالت فردی عبارت است از حد وسط بین افراط و تفریط در قوای درونی انسانی. امام خمینی (ره) براساس همین تعریف از عدالت به مراقبت از نفس و خودسازی و تقوای پیشگی تأکید می‌کند و انسان را موجودی متعقل می‌داند که باید قوای نفسانی خود را به کمک قوه عاقله‌اش به سمت اسلام بکشد. تعریفی که از عدالت در اینجا مدّ نظر است عدالت از منظر علم اخلاق است. تعریف اخلاق از منظر امام خمینی (ره) مشابه تعاریف مشهور علمای اخلاق - تعادل قوای آدمی و رسیدن به عدالت و رعایت حدوسط - است. امام در جایی به این بحث اشاره کرده و فرموده است:

علمای فنّ اخلاق مجموع فضایل نفس را در تحت چهار جنس داخل کرده‌اند که عبارت است از: حکمت، عفت، شجاعت و عدالت و حکمت را فضیلت نفس ناطقه ممیزه دانسته‌اند؛ و شجاعت را از فضایل نفس غضبیه؛ و عفت را از فضایل نفس شهویّه؛ و عدالت را تعدیل فضایل ثلاث شمرده‌اند. و سایر فضایل را به این چهار فضیلت ارجاع داده‌اند. و تفصیل و تحدید هر یک از آنها از عهده این اوراق خارج است و برای امثال ما چندان مفید نیست. (امام خمینی، ۱۳۷۶، ۵۱۱)

۲. ۱. عدالت اجتماعی از نظر امام خمینی (ره).

عدالت اجتماعی از نظر امام (ره) امری است مربوط به زندگی اجتماعی انسان‌ها و هدف از برقراری حکومت هم عدالت اجتماعی است. از نظر حضرت امام (ره) عدالت اجتماعی برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها یکسان است:

... عدالت اجتماعی، حکومت عدل و رفتار عادلانه و بسط عدالت اجتماعی در بین ملت‌ها و امثال اینها که در صدر اسلام یا قبل از اسلام، از آن وقتی که انبیا مبعوث شدند وجود داشته و قابل تغییر نیست. عدالت معنایی نیست که تغییر بکند، یک وقت صحیح و زمانی غیر صحیح باشد ... (ص. ن، ۸۹، ۱۳۶۹)

از جمله مواردی که می‌توان به‌عنوان عدالت اجتماعی از نظر امام (ره) به آنها اشاره کرد عبارتند از:

۱. «قابل نشدن امتیاز برای قشرهای خاص مگر به امتیازات انسانی که خود آنها دارند». (همان، ج ۸، ۱۱۴)

۲. «طبقات مختلف به طبقه پایین ظلم نکنند. باید حق فقرا، حق مستمندان داده شود ... (و یک نظام عادلانه) (جمهوری اسلامی) این‌طور مسائلی که زورگویی باشد نیست. طبقه غنی نمی‌تواند بر طبقه فقیر زور بگوید، نمی‌تواند استثمار بکند، نمی‌تواند آنها را با اجر و مزد کم وادار به عمل‌های زیاد بکند ... باید مستضعفین حمایت بشوند، تقویت بشوند، مستکبر باید مستضعف شود، مستضعف باید مستکبر شود ... (البته) نه مستکبر به آن معنی بلکه همه با هم برادروار در این مملکت همه با هم باشند». (همان، ج ۵، ۲۳۷)

۳. «برابری در مقابل قانون»

۴. «برابری فرصت‌های اجتماعی و سیاسی»

۵. مهم‌ترین شاخص عدالت در حوزه اقتصادی را «رفع نیازهای اساسی همه اقشار جامعه» و به‌صورت خاص طبقات محروم می‌توان ذکر کرد. (همان).

۶. عدالت به‌معنای «قیام انسان‌ها به قسط» که به‌معنای «رفع ستمگری‌ها و چپاول‌گری‌ها» است. (همان، ج ۱۵، ۱۸۶)

۷. رفع ایادی ظالمانه و تأمین استقلال و آزادی، تعدیل ثروت به‌طور عاقلانه و قابل عمل و عینیت در اسلام. (همان، ج ۲، ۱۹)

به‌نظر می‌رسد امام خمینی (ره) عدالت راحق مردم محروم و ستم‌دیده می‌داند؛ چه زمانی که به معنای قیام باشد، چه به معنای برابری باشد و چه به معنای تأمین استقلال و آزادی. حضرت امام (ره) معتقد بودند در رژیم پهلوی هیچ نشانه‌ای از عدالت اجتماعی وجود نداشته است:

همه جای ایران فقر است و همه جای ایران بیچارگی است و فقر مملکت را فراگرفته و مردم خانه ندارند، مردم هیچی ندارند، مردم همه بیچاره‌اند، آن جایی که معدن نفت است روی این معادن، همان مردم آنجا تشنگی و گرسنگی می‌خورند و سر و پای برهنه راه می‌روند و گاهی یک دفعه که من عبور کردم از اهواز و از این دهات اطراف و از این راهی که ما می‌رفتیم و حتی قطار عبور می‌کرد و از این اطراف، این بچه‌ها و این سربرهنه‌ها و پابرهنه‌ها هجوم می‌آوردند که یک چیزی بگیرند، این جایی بود که مخزن نفت‌شان زیر پایشان بود و جای دیگر می‌رفت (مؤسسه نشر آثار امام خمینی، ۴۱ تا ۶۱، ۴۲۹ - ۴۳۰)

امام خمینی (ره) معتقد بودند که سیاست‌های رژیم در ایران چیزی جز بدبختی و بی‌عدالتی به بار نیاورده است. حضرت امام (ره) به این سیاست به‌طور جدی انتقاد کرده و می‌فرمایند:

این آقای دروازه تمدن [محمدرضا پهلوی] ملاحظه نکرده خود تهران را، این محله‌های تهران را، آن طور که آقایان نوشته‌اند چهل و چند منطقه هستند که در این چهل و چند منطقه این زاغه‌نشین‌ها، این چادرنشین‌ها، اینهایی که خانه ندارند، اصلش، زیر زمین یا یک سوراخی پیدا کرده‌اند و بیچاره‌ها مثل حیوانات زندگی می‌کنند یا یک چادری درست کرده‌اند ... از همه چیزهایی که آثار تمدن است، آب ندارند، برق ندارند، آسفالت

و اینها که هیچ ندارند، هیچ چیز ندارند ... اما شما سران پهلوی در کاخ‌های مجلی که هرچند سال تغییر مکان داده و با میلیون‌ها تومان خرج گزاف که تصورش برای ملت ممکن نیست نشسته‌اید و مخارج آن‌را از کیسه این ملت بدبخت اخاذیکرده‌اید و ناظر فقر و گرسنگی ملت و علی‌الخصوص فقدان ضروریات اولیه زندگی حتی در غالب دهات نزدیک به مرکز ... می‌باشد». (ص. ن، ۱۳۶۹، ج ۱۳، ۲۳)

امام (ره) جمهوری اسلامی را پیام‌آور عدالت اجتماعی می‌داند و هدف خود را از برقراری و تأسیس حکومت برپایی و اجرای عدالت دانسته می‌فرماید:

ما یک حکومت عدل می‌خواهیم، حکومت عدل اسلامی می‌خواهیم. این هم آرزوی هر آدمی است که یک حاکمی باشد برای آن حکومت بکند که بعد از چند وقتی جیب‌هایش را پر نکند و از این مرز برود (ص. امام، ۱۳۷۸، ج ۵، ۴۹)

از نظر امام خمینی (ره) این عدالت اگرچه از خود فرد شروع می‌شود:

عدالت اسلامی از خود انسان شروع می‌شود تا هدایت در خود انسان، عدالت با رفیق، با همسایه، عدالت با هم‌محله، عدالت با هم‌شهری، عدالت با هم‌استانی، عدالت با هم‌کشوری، عدالت با کشورهای همسایه و با همه بشر». (ص. ن، ۱۳۶۹، ج ۷، ۲۲)

در نظام اجتماعی به منصف ظهور می‌رسد و در اصل هدف همه پیامبران هم جز اجرای عدالت اجتماعی چیز دیگری نبوده است:

هر یک از انبیا که آمدند، برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که اجرای عدالت را در همه عالم بکنند، لکن موفق نشدند، حتی رسول ختمی مرتبت محمد بن عبدالله (ص) که برای اصلاح بشر آمده بود و برای اجرای عدالت آمده بود ... باز در زمان خودشان موفق نشدند به این معنا، و آن‌کس که به این معنا موفق خواهند شد و عدالت را در تمامی دنیا اجرا خواهد کرد، نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می‌فهمند که فقها، قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت، انسان اگر هر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی، انحراف روحی، انحراف عقلی، «برگرداندن این انحرافات را به معنای خودش» این ایجاد عدالت است در انسان، اگر اخلاقش منحرفی باشد، از این انحراف وقتی به اعتدال برگردد این عدالت در او تحقق پیدا کرده است. اگر در عقاید، یک انحرافات و کجی‌هایی می‌باشد، برگرداندن

آن عقاید کج به یک عقیده صحیح و صراط مستقیم، این ایجاد عدالت است در عقل انسان ... (همان، ج ۱۲، ۲۰۷)

از نظر امام خمینی (ره) عدالت اجتماعی به زندگی انسان در اجتماع مربوط است و از این رو هرگونه بی‌عدالتی نسبت به وی باید برداشته شود و حقوق او به‌طور کامل برقرار گردد. بنابراین امام خمینی براساس چنین نگرشی به عدالت و ارتباط آن با آزادی و اختیار انسان، مبارزه سرسختانه با هرگونه جتاریت و استبداد و ستم و نفی حقوق بندگان را سرلوحه زندگی خود قرار داد و همچنین بر حمایت از محرومان و مستضعفان جامعه و نفی شکاف طبقاتی نیز اصرار فراوان داشت. از سوی دیگر، با حمایت از عقل و اختیار انسان آزادی بی‌حد و حصر لیبرالیستی را که موجب ظلم بر طبقات و اقتشار محروم جامعه می‌شود، رد کرد و نگرش برابرگرایانه مطلق سوسیالیستی را نیز نمی‌پذیرفت. از این رو از دید او باید به‌سوی حرکت کرد تا «همه‌افراد این ملت یک زندگی متوسطی داشته باشند». (همان)

حضرت امام (ره) که هم‌ایدئولوگ اصلی انقلاب اسلامی ایران بودند و هم در عرصه عمل قادر به تحقق و برقراری حکومت اسلامی گردیدند، مهم‌ترین هدف انقلاب اسلامی را برقراری و اجرای عدالت در جامعه اسلامی می‌دانستند که هدف همه انبیا هم بوده است. امام خمینی (ره) که با مشاهده ظلم و جور دستگاه زمان خود مهم‌ترین هدف تأسیس حکومت را برقراری عدالت می‌دانست، اولین بار در کتاب کشف‌الاسرار به این مسئله اشاره کرد و اقدامات رژیم را اقداماتی برخلاف عدالت دانست و به شدت آنها را محکوم نمود. ایشان مانند بسیاری از فقهای شیعه، اجرای عدالت در جامعه را نیازمند ابزاری می‌دانستند که این ابزار حکومت است. حکومتی به نام حکومت اسلامی که مترادف با عدالت باشد. این نوع حکومت از نظر امام خمینی (ره) مطلوب‌ترین شیوه حکومت است. ۲. حکومت مطلوب از نظر امام خمینی (ره).

امام خمینی (ره) که بنیان اندیشه سیاسی‌اش را توحید و خدااباوری تشکیل می‌دهد، در خصوص مطلوبیت حکومت هم به نوع و هم به ماهیت آن توجه کرده است و حتی ماهیت حکومت مطلوب موردنظر را براساس سه رکن اساسی عدل الهی حاکم بر جهان

هستی، مسئله خلافت و جانشینی انسان در زمین و وحی (دین الهی) ترسیم کرده است. (جمشیدی، ۱۳۸۰، ۹۱)

از دیدگاه امام خمینی (ره) مسئله اصلی در مطلوبیت یک حکومت ماهیت و محتوای آن است که گاه از آن به نوع حکومت تعبیر می‌شود ولی شکل حکومت تابع مقتضیات زمانی و مکانی است واز این روموضوعی فرعی و ثانوی تلقی می‌شود و تابع منبع مشروعیت، امکانات، توانایی‌ها، خواست مردمی، مصالح جامعه و دین است. از نظر امام خمینی (ره) آنچه دارای اهمیت است نوع حکومت است که اسلامی بودن حکومت است و شکل حکومت یعنی جمهوری در درجه ثانوی قرار می‌گیرد. البته از نظر حضرت امام (ره) جمهوری بودن حکومت نشانگر شکل خاص حکومت آن گونه که در جوامع غربی مطرح است نمی‌باشد بلکه شکل حکومت تابع شرایط و مقتضیات و خواست مردم است: «ما خواهان استقرار یک جمهوری اسلامی هستیم و آن حکومتی است متکی به آرای عمومی. شکل نهایی حکومت با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه ما توسط خود مردم تعیین خواهد شد». (همان، ۹۷ - ۹۸)

بنابراین از نظر امام (ره): اولاً آنچه اهمیت دارد نوع و محتوا و ماهیت حکومت اسلامی است نه شکل آن.

ثانیاً جمهوری اسلامی نه یک شکل خاص حکومتی که بیانگر نوع خاصی از حکومت اسلامی است. نوعی که متکی به آرای عمومی مردم مسلمان [ایران] می‌باشد.

ثالثاً شکل نهایی حکومت یا شکل حکومت توسط مردم تعیین می‌شود و این یک موضوع کلی است و منحصر به زمان ما نیست.

رابعاً شکل نهایی حکومت یا شکل حکومت تابع شرایط و مقتضیات جوامع است. (جمشیدی، ۱۳۸۰، ۹۹)

امام خمینی (ره) حکومت مطلوب خود را تحت عنوان «حکومت اسلامی» و «جمهوری اسلامی» معرفی می‌کند و پرواضح است که در این نام‌گذاری آنچه مورد نظر ایشان بوده است اسلامی بودن و سرچشمه گرفتن حکومت از دین مبین اسلام است. ایشان حکومت جمهوری خود را مشابه حکومت پیامبر (ص) و امام علی (ع) دانسته‌اند که از آرای مردم سرچشمه می‌گیرد:

حکومت «جمهوری اسلامی» مورد نظر ما از رویه پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) الهام خواهد گرفت و متکی به آرای عمومی ملت خواهد بود و شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد گردید. (ص. امام، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۳۴)

از نظر امام (ره) حتی اگر شکل حکومت با حکومت‌های غربی و شرقی و غیره مطابقت داشته باشد باید بر مبنای اسلام قرار گرفته باشد تا مفهوم حکومت مطلوب را به خود بگیرد. ایشان درباره مقایسه حکومت دموکراسی اسلامی با دیگر حکومت‌های دموکراسی می‌فرمایند:

... ممکن است دموکراسی مطلوب ما با دموکراسی‌هایی که در غرب هست مشابه باشد، اما آن دموکراسی‌ای که ما می‌خواهیم به وجود آوریم در غرب وجود ندارد. دموکراسی اسلام کامل‌تر از دموکراسی غرب است (همان، ۳۱۴).

حکومت مطلوب از نظر امام (ره) اگرچه از لحاظ شکلی با حکومت‌های دیگر مشابهت‌هایی دارد؛ اما از لحاظ ماهیت حکومتی است مبتنی بر دین اسلام و آنچه اهمیت بیشتری در این مسئله دارد، ماهیت و محتوای آن است نه شکل و ساختار آن. در بحث حکومت مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره) آنچه اهمیت دارد، بنای حکومت بر اساس عدالت است؛ یعنی حکومت مطلوب حکومتی است که باید بر اساس عدالت ایجاد شود تا بتواند انسان را به سعادت برساند.

ویژگی‌های حکومت مطلوب از نظر امام خمینی (ره)

أ. الهی بودن

حضرت امام (ره) مهم‌ترین ویژگی که برای حکومت مطلوب در نظر گرفته‌اند، ویژگی الهی بودن حکومت است یعنی حکومتی که از قوانین و موازین الهی و دینی سرچشمه می‌گیرد و بر جهان‌بینی اسلام بنا نهاده شده است. این حکومت که حکومت اسلامی است هدفی جز اجرای قوانین اسلام ندارد:

حکومت اسلامی هیچ‌یک از انواع طرز حکومت‌های موجود نیست. مثلاً استبدادی نیست که رئیس دولت مستبد و خودرأی باشد ... حکومت اسلامی نه استبدادی است و نه مطلقه، بلکه «مشروطه» است؛ البته نه مشروطه به معنای متعارف فعلی آن که تصویب قوانین تابع آرای اشخاص و اکثریت باشد. مشروطه از این جهت که حکومت‌کنندگان در

اجرا و اداره مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم (ص) معین گشته است. «مجموعه شرط» همان احکام و قوانین اسلام است که باید رعایت و اجرا شود. از این جهت حکومت اسلامی «حکومت قانون الهی بر مردم» است. (همان ۴۳ - ۴۴)

از نظر امام خمینی (ره) حکومت مطلوب، حکومتی است که از دین اسلام سرچشمه گرفته باشد و دارای ویژگی الهی است، یعنی حکومت ودیعه ای است از جانب پروردگار تا انسان را به سعادت برساند.

ب. حکومت مطلوب حکومتی قانونی بر مبنای قانون اسلام است

این ویژگی که از ویژگی اول ناشی می‌شود، نشان می‌دهد که امام خمینی (ره) حکومت اسلامی را برگرفته از قوانین اسلامی می‌داند که باید بر اساس همین قوانین اجرا شود. امام خمینی (ره) در دوران غیبت، مشروعیت فقها را به‌عنوان نمایان‌نامه (ع) اثبات کرده و نظارت و هدایت آنها در حوزه سیاسی را رکنی از حکومت مطلوب خود ذکر می‌کند. از نظر امام خمینی (ره) حکومت اسلامی علاوه بر اینکه باید بر قانون الهی مبتنا یافته باشد، در مرحله اجرا نیز باید توسط مجریان اسلامی بر اساس قوانین الهی اجرا شود و تمام مجریان، از پیامبر تا دیگران، باید تابع قوانین اسلام باشند:

حکومت اسلام، حکومت قانون است. در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون فرمان و حکم خدا است قانون اسلام یا فرمان خدا بر همه افراد و بر دولت اسلامی حکومت تام دارد. همه افراد، از رسول اکرم (ص) گرفته تا خلفای آن حضرت و سایر افراد، تا ابد تابع قانون هستند. همان قانونی که از طرف خدای تبارک و تعالی نازل شده و در لسان قرآن و نبی اکرم (ص) بیان شده است. (امام خمینی، بی تا، ۵۳ - ۵۴)

درواقع این ویژگی نشان‌دهنده نوع و محتوا و ماهیت حکومت مطلوب از دیدگاه حضرت امام (ره) است که قانونمندی و ابتنا بر اساس قوانین اسلام است. از نظر امام خمینی (ره) حکومت مطلوب حکومتی است که به اجرای قوانین اسلام بپردازد و بر اساس آن ابتنا یافته باشد.

ج. عدالت

یکی دیگر از ویژگی‌ها، معیارها و شاخص‌های حکومت مطلوب از نظر امام (ره) معیار عدالت است که در بیانات متعدّد به آن اشاره کرده‌اند. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ما که می‌گوییم حکومت اسلامی، می‌گوییم حکومت عدالت.

(ص. امام، ج ۵، ۳۰۹)

ما یک حکومت عدل اسلامی می‌خواهیم.

(همان، ج ۵، ۱۳۱)

هدف نهایی عبارت از همان تأسیس یک حکومت عدل اسلامی است.

(همان، ج ۴، ۵۱۲)

ما یک حکومت عدل می‌خواهیم، یک حکومتی می‌خواهیم که منافع مملکت ما خرج خود مملکت بشود.

(همان، ۱۳)

از نظر امام خمینی (ره) یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت مطلوب، عادلانه بودن آن است. از نظر امام خمینی (ره) حکومت مطلوب، حکومتی است که بر مبنای عدالت ایجاد شود. از نظر ایشان این ویژگی مهم‌ترین ویژگی حکومت مطلوب است. این معیار نشان‌دهنده ارتباط بین حکومت مطلوب و عدالت از دیدگاه امام (ره) است که در جای خود بیشتر به آن پرداخته خواهد شد.

د. مردمی بودن حکومت

یکی از ویژگی‌هایی که حضرت امام (ره) بارها در سخنرانی‌ها و بیانیه‌ها و پیام‌های خود به‌عنوان ویژگی حکومت اسلامی به‌عنوان حکومت مطلوب مورد نظرشان مطرح می‌فرمودند، ویژگی مردمی بودن حکومت است. از نظر حضرت امام (ره) یک حکومت باید بر پایه خواست مردم باشد تا از مقبولیت و مشروعیت برخوردار شود.

ما هم که حکومت اسلامی می‌گوییم، می‌خواهیم یک حکومتی باشد که هم دلخواه ملت باشد و هم حکومتی باشد که خدای تبارک و تعالی نسبت به او گاهی بگوید که اینهایی که با تو بیعت کردند، با خدا بیعت کردند. اِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ ... (همان، ۴۶۰)

از نظر امام (ره) این مسئله سبب خواهد شد تا مردم با آگاهی، امنیت را در جامعه ایجاد کنند: «آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و همگامی آنها با حکومت منتخب خودشان خود بزرگترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه می‌باشد». (ص. ن، ۱۳۶۹، ج ۲، ۲۵۷ - ۲۵۸)

ه. سایر ویژگی‌هایی حکومت مطلوب از نظر امام خمینی (ره)
حضرت امام (ره) علاوه بر ویژگی‌های یاد شده به ویژگی‌های دیگری نیز در مورد حکومت مطلوب اشاره کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به ویژگی علم و آگاهی زمامداران حکومتی اشاره کرد:

اگر زمامدار مطالب قانونی را نداند لایق حکومت نیست ... البته لازم نیست که صاحب منصبان و مرزبانان و کارمندان اداری همه‌ی قوانین اسلام را بدانند و فقیه باشند بلکه کافی است قوانین مربوط به شغل و وظیفه‌ی خویش را بدانند. (امام خمینی، بی‌تا، ۶۰ - ۶۱)

اجتهاد در مقررات و احکام حکومتی از سایر ویژگی‌های حکومت اسلامی است که حضرت امام (ره) در این باره می‌فرمایند:

در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می‌کند که نظریات اجتهادی - فقهی در زمینه‌های مختلف، ولو مخالف با یکدیگر، آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد. ولی مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که براساس نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند. (ص. ن، ۱۳۶۹، ج ۴۷، ۲۱)

عقل از ویژگی‌های دیگر حکومت مطلوب از نظر امام خمینی (ره) می‌باشد که از ویژگی اجتهاد ناشی می‌گردد. از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) عقل و حکمت یکی از برجسته‌ترین شاخص‌ها و معیارهای یک حکومت مطلوب تلقی می‌گردد و فقدان آن باعث می‌شود که حکومت از مطلوبیت ساقط گردد، زیرا عقل و حکمت اساس و بنیان بسیاری از شاخص‌ها و معیارهای دیگر چون حسن سیاست، حسن تدبیر، دانش و آگاهی، زمان‌شناسی، عزم و تصمیم راسخ، ثبات رأی، کمال اعتقادی، صلاحیت اخلاقی و ... است. (جمشیدی، ۱۲۴، ۱۳۸۰)

انتقادپذیری حکومت و مشورت با مردم یکی دیگر از شاخص‌ها و ویژگی‌های حکومت مطلوب از منظر امام خمینی (ره) است و حکومتی که از مشورت با مردم یا نمایندگان آنها و پذیرش انتقاد و نظارت مردمی روی گردان باشد حکومتی است که بنای خود را بر استبداد قرار داده است (همان).

۳. مفهوم عدالت در حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

أ. حکومت ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی

امام خمینی (ره) حکومت را به‌عنوان ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی مطرح کرده‌است و از آنجایی که هدف اصلی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) رساندن انسان به سعادت است، برای تحقق این امر نیاز به ابزاری است که این ابزار همان حکومت است و سعادت انسان هم چیزی جز ایجاد حکومت عدل نیست و هدف همه انبیا هم همین بوده است.

امام خمینی (ره) ارزش حکومت را در عادلانه بودن آن می‌داند و می‌فرماید:

عهددار شدن حکومت فی حد ذاته شأن و مقامی نیست؛ بلکه وسیله اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه است ... هرگاه حکومت و فرماندهی وسیله اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام شود، قدر و ارزش پیدا می‌کند و متصدی آن صاحب ارجمندی و معنویت بیشتر می‌شود. (امام خمینی، بی‌تا، ۴۴)

حضرت امام (ره) ابزاری بودن حکومت برای اجرای عدالت را بر سه پایه مهم: أ. تدوین قانون براساس عدالت یا به معنای تبدیل عدالت نامکتوب به عدالت مکتوب و مدون؛ ب.

اجرای قوانین براساس عدل؛ ج. نظارت عادلانه بر اجرای قوانین (ص). امام، ۱۳۷۸، ج ۴۲۰، ۶)، دانسته و معتقد است که حکومت این سه وظیفه اصلی را برعهده دارد. از نظر امام خمینی (ره) عدالت اساس و بنیان حکومت مطلوب است. آنچه از نظر ایشان اهمیت والایی دارد، عدالت اجتماعی است. اجرای عدالت اجتماعی دستوری از جانب خداوند حکیم است که باید برای اجرای آن حکومت مطلوب را ایجاد کرد، چون خداوند جهان آفرینش را عبث نیافریده است بلکه آن را بر اساس عدالت ایجاد کرده است. امام خمینی (ره) از جمله فقهای است که بین عدالت و حکومت مطلوب رابطه برقرار کرده و شاخص اصلی حکومت مطلوب را عدالت می‌داند.

از نظر امام خمینی (ره) آرمان و هدف کلی در یک اجتماع رسیدن به عدالت اجتماعی است که از طریق ایجاد حکومت مطلوب به وجود می‌آید. ایشان جمهوری اسلامی را متصدی این امر دانسته و می‌فرمایند:

جمهوری اسلامی عدل اسلامی را مستقر می‌کند و با عدل اسلامی همه و همه در آزادی و استقلال و رفاه خواهند بود (همان).

از نظر امام (ره) مطلوبیت حکومت با خصلت عدالت اجتماعی شناخته می‌شود:

ما که می‌گوییم حکومت اسلامی، می‌گوییم حکومت عدالت. ما می‌گوییم یک حاکمی باشد که به بیت‌المال مسلمین خیانت نکند، دستش را دراز نکند، بیت‌المال مسلمین را بر ندارد، ما این مطلب را می‌گوییم. این یک مطلب مطبوعی است که در هر جامعه بشری که گفته شود برای هر کسی که گفته بشود از ما می‌پذیرد. (همان، ج ۵، ۵۰۹، ۳)

از نظر امام خمینی (ره) علاوه بر اینکه حکومت مطلوب برقرارکننده عدالت اجتماعی است، مجریان آن هم باید انسان‌های عادلانه باشند تا بتوانند این عدالت را در جامعه برقرار سازند:

ما یک حکومت عدل می‌خواهیم، حکومت عدل اسلامی می‌خواهیم. این هم آرزوی هر آدمی است که یک حاکمی باشد برای آن حکومت بکند که بعد از چند وقتی جیبهایش را پر نکند و از این مرز برود. (همان، ج ۵، ۴۹)

امام خمینی (ره) که مجری این نوع حکومت را ولی فقیه معرفی می‌کند، صفاتی را برای آن برمی‌شمارد که از مهم‌ترین آنها صفت عدالت است. امام (ره) حتی از این مجریان تحت عنوان مجتهدین نام برده و سال‌ها قبل از این که نظام اسلامی را برقرار کند در کتاب مهم کشف‌الاسرار حکومت مطلوب را چنین معرفی کرده است:

ما که می‌گوییم حکومت و ولایت در این زمان با فقهاست ... می‌گوییم همان طور که یک مجلس مؤسسان تشکیل می‌شود از افراد یک مملکت و همان مجلس تشکیل یک حکومت و تغییر سلطنت می‌دهد و یکی را به سلطنت انتخاب می‌کند و همان طور که یک مجلس شوری تشکیل می‌شود از یک عده افراد معلوم‌الحال و قوانین اروپایی یا خود درآری را بر یک مملکت که همه چیز آنها مناسب با وضع اروپا نیست، تحمیل می‌کنند و همه شماها کورکورانه آن را مقدس می‌شمرد و سلطان را با قرارداد مجلس مؤسسان

سلطان می‌دانید و به هیچ جای عالم و نظام مملکت بر نمی‌خورد، اگر یک همچو مجلس از مجتهدین دین‌دار که همه احکام خدا را بدانند و هم عادل باشند و از هواهای نفسانی عاری باشند و آلوده حبّ دنیا و ریاست آن نباشند و جز نفع مردم و اجرای احکام خدا غرضی نداشته باشند، تشکیل شود و انتخاب یک نفر سلطان عادل کنند که از قانون‌های خدایی تخلف نکند و از ظلم و جور احتراز داشته باشد و به مال و جان و ناموس آنها تجاوز نکند، به کجای نظام مملکت بر می‌خورد.

از نظر امام خمینی (ره) حکومت مطلوب، حکومتی است که مبتنی بر عدالت اجتماعی باشد:

چراکه هدف نجات ملت است، اجرای عدالت اسلامی و برقراری حکومت الهی بر پایه‌ی محکم عدل است. (همان، ج ۴۵۵، ۳)

از نظر امام (ره) چون سعادت انسان بر پایه عدالت است و عدالت یک فضیلت اخلاقی است؛ پس حکومت باید برای رساندن انسان به سعادت و فضیلت از عدالت سرچشمه بگیرد.

از نظر حضرت امام (ره) این نوع حکومت از رویه پیامبر (ص) و امام علی (ع) سرچشمه می‌گیرد. در این باره حضرت امام (ره) می‌فرمایند:

حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر ما از رویه پیغمبر اکرم (ص) و امام علی (ع) الهام خواهد گرفت و متکی به آرای عمومی ملت می‌باشد و نیز شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت تعیین می‌گردد. (همان، ج ۱۲۰، ۵)

این نوع حکومت حامی و پشتیبان هر فردی است:

کارگران کارخانه‌ها و دیگر کارگران و کارمندان طبقات هر صنف باید بدانند که اسلام از بدو ظهور طرفدار آنان بوده و در حکومت عدل اسلامی به آنان اجحاف نمی‌شود و نخواهد شد. (همان)

ب. قیام برای تحقق عدل.

بسیاری از فقهای شیعه به مسئله قیام برای تحقق عدل و قسط در جامعه اشاره کرده‌اند و در این مورد روایات فراوانی ذکر شده است که از آن جمله می‌توان به این روایت استناد کرد:

مَنْ أَمَرَكُمْ بِمَعْصِيَتِهِ فَلَا تَطِيعُوهَا وَ لَا طَاعَةَ الْمَخْلُوقِ فِي مَعْصِيَتِهِ الْخَالِقِ.
 امام خمینی (ره) هم به‌عنوان یک فقیه شیعه راه رسیدن به عدالت را قیام می‌دانست.
 ایشان در اولین و تاریخی‌ترین سند مبارزاتی خود راه حل اساسی حل مشکلات بشری را
 قیام‌الله معرفی کرده‌اند و با اشاره به آیه ۴۶ سوره سبا می‌فرمایند:

خدای تعالی در این کلام شریف از سرمنزل تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت را
 بیان کرده و بهترین موعظه‌هایی است که خدای عالم از میان تمام مواعظ انتخاب
 فرموده و این یک کلمه را پیشنهاد بشر فرموده، این کلمه تنها راه اصلاح در جهان است.
 قیام برای خداست که ابراهیم خلیل‌الرحمن را به منزل خلت رسانده. (همان، ج ۲۱، ۱)
 از نظر امام خمینی (ره) این قیام اجتماعی است. قیام اجتماعی یا سیاسی یعنی قیام در
 برابر ظلم و ستم و بی‌عدالتی؛ و تلاش در جهت برپایی و تحقق قسط و عدالت در جامعه.
 تمام پیامبران هم از ابتدا به‌دنبال این مسئله بوده‌اند. از نظر امام خمینی راه رسیدن به
 حکومت مطلوب مبتنی بر عدالت، قیام است. ایشان در نامه‌ای به فرزند خود این‌گونه
 فرموده‌اند:

«پسرم نه گوشه‌گیری صوفیانه دلیل پیوستن به حق است و نه ورود در جامعه و تشکیل
 حکومت شاهد گسستن از حق. میزان در اعمال انگیزه‌های آنان است؛ چه بسا عابدی و
 زاهدی که گرفتار دام ابلیسی است و چه بسا متصدی امور حکومت که با انگیزه الهی به
 معدن قرب نایل می‌شود. هر قدر انگیزه‌ها به نور فطرت نزدیک تر باشند و از حجب حتی
 حجب نور وارسته‌تر، به مبدأ نور وابسته‌ترند ... میزان در اول سیر، قیام‌الله است، هم در
 کارهای شخصی و انفرادی و هم در فعالیت‌های اجتماعی». (امام خمینی، ۱۵، ۱۳۷۲-۱۸)
 امام خمینی (ره) حتی در معرفی انقلاب اسلامی به جهانیان به قیام برای عدالت
 اشاره کرده‌اند. به‌طور کلی مبارزه، قیام و تلاش امام خمینی (ره) برای مقابله با رژیم
 پهلوی بیانگر این مطلب است که از آغاز، رژیم و حکومت موجود را حکومتی نامطلوب
 شمرده است و در پی ارائه حکومتی مطلوب بوده است. حکومتی که ابتدا در نظر و سپس
 در عمل، آن‌را تحقق بخشید.

نتیجه‌گیری:

امام خمینی (ره) در طرح حکومت مطلوب، در پیوند بین سیاست و اخلاق تلاش کرده است. از نظر ایشان هدف و غایت اساسی حکومت تحقق عدالت است و عدالت هم یک معیار اخلاقی است. از نظر حضرت امام (ره) اگر در جامعه حکومت عدل تحقق یابد انسان‌ها به سمت کمال خواهند رفت. اگر عدل در جامعه تحقق یابد انسان در مسیر کمال و سعادت حرکت خواهد کرد و جوامع رو به صلاح و راستی می‌روند. اما در جوامعی که عدالت وجود نداشته باشد، سعادت و صلاح و خیر و راستی هم وجود ندارد. پس تحقق سعادت انسان در گرو تحقق عدالت است:

«حقیقتاً رأس همه خطاها، خطیئت‌ها، همین خود خواهی‌هاست و تا این خود خواهی‌ها در بشر هست، این جنگ‌ها و این فسادها و این ظلم‌ها و ستمگری‌ها هست. و انبیا این که دنبال این بودند که یک حکومت عدلی در دنیا متحقق کنند، برای این است که حکومت عدل اگر باشد، حکومتی باشد با انگیزه الهی، با انگیزه اخلاق و ارزش‌های معنوی انسانی، یک همچو حکومتی اگر تحقق پیدا بکند، جامعه را مهار می‌کند و تا حد زیادی اصلاح می‌کند» (ص. امام، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ۱۶۲)

از نظر امام خمینی (ره)، در اسلام اخلاق و سیاست به‌طور هم‌زمان مورد توجه‌اند. از سویی برای عمل به قوانینی چون عدالت و رفع و دفع ظلم و جور، وجود مجری و تشکیل حکومت ضروری است و از سویی دستگاه‌های حکومتی و مسئولین موظف به مراعات اخلاق اسلامی هستند. (کیخا، ۲۴، ۱۳۸۶)

امام خمینی (ره) بعنوان یکی از فقهای بزرگ شیعه در قرن حاضر، به موضوع عدالت به مثابه بالاترین فضیلت می‌نگرد و آن را هدف نهایی آفرینش می‌داند و ایجاد قانون و جامعه و حکومت را منشأیی برای برقراری عدالت برمی‌شمارد. از نظر امام خمینی حکومت مطلوب حکومتی است که بر اساس عدالت و آن هم عدالت اجتماعی بنا نهاده شود. عدالت مبنای حکومت مطلوب است و حکومت مطلوب برای ایجاد عدالت برقرار می‌شود. امام خمینی معتقد است که خداوند سرمنشأ عدالت است و جهان هستی را براساس افاضه فیض خلق کرده است و این افاضه فیض هم مبتنی بر عدالت است. از نظر امام (ره) چون

جهان هستی فعل پروردگار است پس نشان دهنده عدل محض است و همین امر سبب می‌گردد که هیچ نقصی در جهان هستی راه پیدا نکند:

«حسن این نظام اتم را کسی می‌بیند که سر تا پای نظام را بتواند ببیند. بهتر از این نظام که نظام کل است ممکن نیست بلکه محال و مستحیل است. برای این که ذی‌الجمال خودش احسن‌الجمال و اتم‌الجمال و اکمل‌الجمال می‌باشد. و ممکن نیست چیزی احسن و اتم از او باشد، پس اثر و ظلّ او هم تجلی و جلوه‌ی همین جمال احسن خواهد بود.» (تبیان، ۱۳۵، ۱۳۷۸)

از نظر امام (ره) انسان موجودی چند بعدی است و از استعداد‌های گوناگونی ساخته شده است و اگر در طریق و صراط درست قرار گیرد به عدالت خواهد رسید. انسان خود موضوع عدالت است و عدالت انسان را در حرکت و تحولش به سوی کمال سوق می‌دهد و به مثابه ملکه‌ای راسخ و صفتی پایدار در وجود او تحقق می‌یابد و او را تبدیل به موجودی معتدل و مستقیم می‌گرداند. در این نگاه، عدالت این است که بین او و حق احتجایی صورت نگیرد و بی‌پرده و بالعیان خدا را مشاهده کند و صفات او را در خود متجلی سازد:

«عدم احتجاب از حق به خلق و از خلق به حق، و به عبارت اخری رویت وحدت در کثرت و کثرت در وحدت.» (موسسه نشر آثار امام، ۱۴۸، ۱۳۷۷)

پس طی طریق و سیر مسیر سلوک انسان کامل و اهل الله موضوع عدالت است (جمشیدی، ۴۸۱، ۱۳۸۰). از نظر امام (ره) متحول شدن انسان و قرار گرفتن او در مسیر درست عدالت است:

«پس طریق سیر انسان کامل از نقطه نقص عبودیت تا کمال عزّ ربوبیت عدالت است که خط مستقیم و سیر معتدل است.» (موسسه نشر آثار امام، ۱۵۲، ۱۳۷۷-۱۵۳)

انسان باید در طریق مستقیم قرار گیرد تا بتواند با ایجاد حکومت مطلوب عدالت فردی رابه عدالت اجتماعی تبدیل و آن را در جامعه ساری و جاری سازد.

امام خمینی (ره) یکی از وظایف حکومت را تهذیب و تربیت انسان می‌داند تا با انسان عادل جامعه عادل ایجاد گردد. از نظر امام (ره) اصلاح و تهذیب انسان به اصلاح و تهذیب جامعه می‌انجامد و کسی که می‌خواهد امور دیگران را به عهده بگیرد باید اکمل

از دیگران باشد. امام خمینی (ره) معتقد بود که باید برای تحقق عدالت در جامعه از سازمان و تشکیلاتی استفاده کرد و از این روح حکومت را ابزار اجرای عدالت معرفی کرده اند. بر این اساس هر چند حکومت در تحقق عدالت و معنویت نقش ابزاری دارد ولی این نقش بسیار با اهمیت است چون ابزاری است که بدون آن عدالت اجتماعی تحقق نمی‌یابد. (جمشیدی، ۴۸۸، ۱۳۸۰)

امام خمینی در اهمیت نهاد حکومت در اسلام می‌نویسد:

«نهاد حکومت آنقدر اهمیت دارد که نه تنها در اسلام حکومت وجود دارد بلکه اسلام چیزی جز حکومت نیست و احکام شرعی قوانینی است که یکی از شئون حکومت است.» (امام خمینی، ج ۴۷۲، ۵)

از نظر امام (ره) خصیصه اصلی حکومت مطلوب که از نظر ایشان حکومت اسلامی است خصیصه عدالت است و از این رو وظیفه اصلی حاکم و زمامدار برپایی و برقراری عدالت اجتماعی است. از این رومی فرمایند:

«عدل اسلامی را مستقر کنید. با عدل اسلامی همه و همه در آزادی و استقلال و رفاه خواهند بود.» (ص. امام، ۱۳۷۸، ج ۱۱۵، ۷)

امام خمینی (ره) این عدالت را که باید توسط مجریان حکومت در جامعه برقرار شود، عدالت اجتماعی می‌نامد و معتقد است که عدالت علاوه بر این که در نفس انسان باید تحقق یابد در جامعه نیز باید پایه‌ریزی و ایجاد گردد. ایشان بالاترین مجریان این عدالت را پیامبران معرفی کرده و معتقدند که هدف پیامبر (ص) از تشکیل حکومت برقراری عدالت بوده است:

«پیغمبر اسلام (ص) تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت‌های جهان، لیکن با انگیزه‌ی بسط عدالت اجتماعی.» (همان، ۴۰۶)

والا ترین وظیفه پیامبران نیز تحقق عدالت و یکی از مهمترین اهداف بعثت رسولان و یا شاید تنها هدف بعثت رسولان، لیقوم الناس بالقسط است.» (جمشیدی، ۴۹۵، ۱۳۸۰-۴۹۶)

از نظر ایشان حتی هدف از نزول قرآن هم اجرای عدالت بوده است:

«قرآن ... برای رفع ظلم از بین بشر آمده است یعنی یک بعدش این است که ظلم را از بین بشر بردارد و عدالت اجتماعی را در بشر ایجاد کند. ما اگر کوشش کنیم و آنهایی که تابع قرآن خودشان را می‌دانند، مسلمین جهان اگر کوشش کنند ... آن وقت یک دنیایی می‌شود که صورت ظاهر قرآن می‌شود.» (ص.ن، ۱۳۶۹، ج ۲۵۲، ۱۷)

بزرگترین هدف حضرت امام (ره) از قیام در مبارزات مستمر بر علیه رژیم شاهنشاهی ظلم‌ستیزی و برپایی عدالت بود و به همین جهت اولین بار در ۱۳۲۴ با نگارش کتاب بالارزش و مهم کشف‌اسرار به نفی اقدامات رژیم پرداختند. ایشان قیام‌های بزرگ تاریخ اسلام همچون قیام امام علی (ع) بر ضد معاویه و یا قیام امام حسین (ع) را قیام برای اجرا و تحقق عدالت می‌دانستند:

«و کسی که تخلف بکند جای او همان سلطان جائر است، یعنی در هر طبقه‌ای از جهنم که سلطان جائر، یک همچو سلطان جائری جا دارد. این آدمی هم که ساکت است که این سلطان جائر هر کاری می‌خواهد بکند، ساکت است او، جایش جای همین سلطان قرار دارد.» (ص. امام، ۱۳۷۸، ج ۱۹۲، ۵)

آنچه به‌طور مشخص در اندیشه امام خمینی (ره) نقش و جایگاه والایی دارد مفهوم عدالت است که حکومت مطلوب را در راستای خود قرار می‌دهد. حضرت امام (ره) از مشاهده ظلم و جور جامعه زمانه خود به ترسیم مدینه فاضله‌ای پرداخت که مبتنی بر عدالت و دارای منشأ و حقیقت اسلامی بود و هدفی جز تحقق و برقراری عدالت و برچیدن ظلم و بی‌عدالتی نداشت. ایشان هدف انقلاب اسلامی را برچیدن ظلم دانسته می‌فرمایند:

«چنانچه دیدید ... که سال‌های طولانی همه قشرهای ملت در زحمت بودند و تحت فشار ظلم بودند و آن این بود که از آن فطرت اصلی که فطرت‌الله بود بیرون آمده بودند و یک فطرت دیگری به خودشان راه داده بودند وقتی که ملت ما بیدار شد و به برکت اسلام بیدار شد و خودش را تغییر داد، متحوّل شد ... یعنی آن حال پذیرش متبدّل شد به حال عدم پذیرش، به هر حال اینکه دیگر زیر بار این ظلم نمی‌خواهیم برویم.» (همان، ج ۱۳۰: ۱۰)

امام خمینی (ره) به‌عنوان یک اندیشمند بزرگ انقلابی پس از ارائه طرح مدینه فاضله خود رسماً حکومت جمهوری اسلامی را در ایران پایه‌گذاری کرد و از این نظر طراح نظام سیاسی اسلامی محسوب و نویدبخش حکومت مطلوب اسلامی به جهانیان معرفی می‌گردد.

منابع:

آشوری، داریوش، (۱۳۷۰)، دانشنامه سیاسی، تهران، انتشارات مروارید.
اصفهانی، راغب، (۱۴۰۴.ق)، المفردات فی غریب القرآن، الطبع الثانی، تهران: دفتر نشر الکتاب.

ابن منظور، جمال الدین محمد بن کرم، (۱۴۰۸.ق)، لسان العرب، ۲۰ ج، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

جمشیدی، محمدحسین، (۱۳۸۰)، نظریه عدالت از دیدگاه ابونصر فارابی، امام خمینی و شهید صدر، چاپ اول تهران، انتشارات پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
-----، ۱۳۸۰، «ویژگی‌های حکومت مطلوب از منظر امام خمینی»، پژوهش نامه متین، ش ۶۱، تابستان ۱۳۸۰، ص ۹۱ و ۹۷-۹۹.

خمینی، روح الله، (۱۳۶۹)، شئون و اختیارات ولی فقیه، مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع، ترجمه اداره کلی مراکز و روابط فرهنگی، چاپ دوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

-----، (۱۳۷۸)، عدل الهی از دیدگاه امام خمینی (تبیان آثار موضوعی، دفتر هفدهم)، تهران.

-----، (۱۳۷۲)، نقطه عطف، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

-----، (۱۳۷۷)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

-----، (بی تا)، کتاب البیع، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ج ۲.

-----، (بی تا)، ولایت فقیه «حکومت اسلامی»، قم: انتشارات آزادی.

- ، (۱۳۷۶)، شرح چهل حدیث، چاپ شانزدهم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- سیّاح، احمد، (بی تا)، فرهنگ بزرگ جامع نوین، ترجمه المنجد، تهران، انتشارات اسلام. طباطبایی، سید محمد حسین، (بی تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد جواد حجتی کرمانی، ۲۰ ج، قم، دارالعلم.
- قیصری، نور الله، ۱۳۸۰، «تاملی بر بنیانهای نظری عدالت در اندیشه ی سیاسی امام خمینی (ره)»، پژوهش نامه ی متی، شماره ی ۲۷، ص ۱۱۴ و ۱۰۶.
- کیخا، نجمه، ۱۳۸۶، «رابطه اخلاق و سیاست در اندیشه ی امام خمینی (ره)»، مجله ی حضور، شماره ی ۶۱، تابستان ۱۳۸۶، ص ۲۴.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (۱۳۷۸)، صحیفه ی امام، مجموعه آثار امام خمینی، ۲۲ ج، تهران.
- ، (۱۳۶۹)، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره)، تهران: انتشارات سازمان مدارک اسلامی.
- ، در جستجوی راه از کلام امام، سخنان و رهنمودها: نهادهای انقلابی، بیانات و اعلامیه های امام خمینی از ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۱، تهران.